

ویژگی‌های دستوری سبک‌های زبانی در گفتار فارسی معاصر

د. حمید طاهری*

حسام السلامه**

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره).

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) hussam.als@hotmail.com 09330298135 نویسنده

مسئول

چکیده

یکی از مهمترین مباحث زبان شناسی و آموزش زبان، مبحث سبک‌های زبانی^۱ است. در یک جامعه زبانی، افراد بر اساس نوع مکالمه و گفتار خود با دیگران یعنی بر اساس میزان رسمی بودن فضای مکالمه، میزان نزدیکی خود با مخاطب و میزان فاصله طبقه اجتماعی خود از مخاطب، شکل‌های مختلف کاربردی از زبان را به کار می‌برند که به سبک زبانی معروفند. این سبک‌های زبانی، هریک دارای ویژگی‌های خاص دستوری هستند که تبیین این ویژگی‌ها، هدف اصلی نگارش این مقاله است. یادگیری و شناسایی سبک‌های زبانی بویژه تغییر و تحولات دستور زبان در هریک از این سبک‌ها، برای نوآموزان هر زبانی از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است. ضمن آنکه آموزش‌دهندگان زبان نیز باید به تعیین و تعلیم ویژگی‌های این مبحث برای زبان‌آموزان بپردازند. از طرفی سبک‌های زبانی، بیشتر در زبان گفتار معنا و کاربرد دارند و اهل زبان مدام از این سبک‌ها در گفتگوهای خود استفاده می‌کنند لذا خلط قوانین گفتار و نوشتار، درست نیست و سبک‌های زبانی در این دو جلوه زبان، باید به طور مستقل بررسی شوند. متأسفانه یکی از چالش‌های اصلی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان این است که در دوره‌های مدّ نظر، به هیچ وجه، اصول سبک‌های زبان گفتاری، آموزش داده نمی‌شود و زبان آموز، خود باید زمان بگذارد و در کوچه و خیابان، و در رویارویی با مردم در زمانی طولانی، به درک این مسأله برسد. این اثر با چنین دیدگاهی به تبیین ویژگی‌های خاص دستوری سبک‌های زبانی در گفتار فارسی معاصر می‌پردازد.

کلمات کلیدی: ویژگی‌های دستوری، سبک زبانی، زبان معیار، زبان فارسی گفتاری.

۱- مقدمه

۱-۱. تعریف مسأله و ضرورت تحقیق

در هر زبان، امکانات مختلفی برای بیان یک مطلب موجود است که یک فرد معین، بر مبنای تسلط خود بر سبک‌های مختلف زبان، در موقعیت‌های مختلف از آنها استفاده می‌کند. هر کس با ارزیابی موقعیت اجتماعی، موضوع ارتباط و نوع رابطه خود با شنونده، از میان سبک‌های موجود، سبک مناسب را برمی‌گزیند. به طور کلی در موقعیت‌هایی مانند سخنرانی‌ها یا در نوشتار که نسبت به گفتار توجه بیشتری به زبان می‌شود، کاربرد ویژگی‌های زبانی نزدیک‌تر به زبان معیار بیشتر است و در موقعیت‌هایی مانند گفتگوهای دوستانه و صمیمانه که به رفتار زبانی توجه کمتری می‌شود، ویژگی‌های دورتر از زبان معیار بیشتر مشاهده می‌شوند. برای مثال، در سطح واژگان، مفهوم فعل «نشستن» را می‌توان با صورت‌هایی نظیر «فرمودن»، «نشستن»، و «تَمَرگیدن» و نظایر آن بیان کرد. تمام اینها بر مفهوم واحدی دلالت دارند و تفاوت میان آنها صرفاً سبکی است و بسته به نوع رابطه میان گوینده و شنونده، یکی از آنها در ارتباط زبانی استفاده می‌شود. اما تفاوت سبک‌های زبانی به همین جا ختم نمی‌شود. در واقع در سبک‌های زبانی مختلف، علاوه بر وجود صورتهای مختلف افعال و کلمات با بارهای مفهومی مختلف، ساختمان دستوری زبان نیز تغییر و تحول می‌یابد. اهل هر زبان و مردم بومی یک زبان، از روی توانش زبانی خود، صورتهای صحیح این تغییر و تحولات دستوری و افعالی را درمی‌یابند. اما برای کسانی که قصد یادگیری زبانی بیگانه را دارند، آگاهی از این سبک‌های زبانی و قوانین تحولات دستوری آنها، بسیار مهم و البته سخت است. همچنین باید دانست که ویژگی‌های دستوری زبان گفتار با نوشتار تفاوت بسیاری دارد و برای یادگیری دقیقتر این دو گونه زبانی اصلی، باید به نوع دستور زبان هریک دقت داشت. از این رو این مقاله، با چنین نگرشی، به دنبال توضیح و تفسیر الگوهای دستوری و تغییر و تحولات آنها در سبک‌های زبان فارسی گفتاری است.